

## ۱۳ آبان در ترازو



مهرداد خدیر  
معاون سردبیر

واقعیت مهم درباره اشغال سفارت آمریکا در تهران در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ این است که تقریباً تمام شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی و فکری و اجتماعی حمایت کردند و به جز دو نفر شخص سومی را به یاد نمی‌آورم که در مقام مخالفت موضع گرفته و سخنی گفته باشند آن هم در دورانی که همه آزادانه نظر می‌دادند. آن دو هم یکی آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی بود که گفته بود در محل غصبی نمی‌توان نماز گزارد؛ طعنه‌ای آشکار به اقامه نماز جماعت ظهر و عصر در حیاط سفارت و به امامت سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها روحانی نزدیک به بیت امام که با حضور و حمایت خود به رهبر فقید انقلاب اطمینان داد جنس این دانشجویان از گروهی که قبلاً دست به اشغال سفارت زده بودند جداست و به همین خاطر عنوان «دانشجویان مسلمان پیرو خط امام» را برای خود برگزیده بودند. چون کلمه «مسلمان» در آن زمان در مقابل «کمونیست» یا «چیپی» قرار داشت و این که این دانشجویان مسلمان‌اند یعنی مارکسیست و از چریک‌های فدایی خلق نیستند، مثل جنبش مسلمانان مبارز به رهبری دکتر پیمان که با کلمه «مسلمان» از دیگر گروه‌ها مرزبندی می‌کرد یا جنبش انقلابی مردم ایران (جاما) به رهبری دکتر کاظم سامی که بعد از مردم «مسلمان» را اضافه کرد، به جز حزب جمهوری خلق مسلمان که مسلمان آن در رقابت با حزب جمهوری اسلامی بود دیگر «مسلمان»‌ها برای تفکیک و مرزبندی با نیروهای چپ به کار می‌رفت. دیگری هم مهندس مهدی بازرگان بود که با صراحت تمام علیه اشغال سفارت موضع گرفت. با این حال خالی از لطف نیست که اشاره شود هم تشکل متبوع مرحوم مهدوی کنی - جامعه روحانیت مبارز- و هم تشکل متبوع مرحوم بزرگان - نهضت آزادی ایران- هر دو از اشغال سفارت حمایت کردند و این دومی شگفت‌آور بود چون نهضت آزادی ایران دولت را به خاطر اشغال سفارت از دست داده بود. مهندس بازرگان البته قبل تر هم به سبب تعدد نیروهای مدخاخله‌گر استعفا کرده بود ولی این اتفاق قبول آن استعفای استغفارها را سرعت داد و قبل از این که وساطت‌ها کارگر افتد رهبری فقید انقلاب استعفا را پذیرفت و در غیاب رئیس جمهوری و نخست‌وزیر و مجلس شورا اداره دولت را به شورای انقلاب سپرد تا در کنار ایفای نقش قوه مقننه به منزله قوه مجریه هم باشد.

بازه‌تر این که اعلامیه حمایت نهضت آزادی ایران از اشغال سفارت آمریکا را مهندس عزت‌الله سحابی تهیه و منتشر کرده بود که ۴ ماه قبل در اعتراض به آنچه گرایش‌های راست‌گرایانه درون نهضت خوانده بود از آن کناره گرفته بود. همچنین جالب است بدانیم دو ماه بعد و در دی‌ماه هم دکتر کریم سنجابی، دبیرکل جبهه ملی ایران در مصاحبه‌ای مفصل با روزنامه اطلاعات از این اقدام حمایت کرد. کانون نویسندگان ایران و هر تشکل دیگر با گرایش‌های چپ یا ضدامپریالیستی هم بالطبع حمایت کردند هر چند به مرور دامنه حمایت‌ها فروکاست و مشخصاً بعد از مرگ شاه در مرداد ۱۳۵۹ مطالبه آزادی گروگان‌ها فزونی گرفت. نگرانی دیگر به خاطر تأثیر این اقدام بر شکست جیمی کارتر در انتخابات ریاست جمهوری در آبان ۱۳۵۹ بود. دو چهره متفاوت به لحاظ سیاسی اما آشنا با فضای بین‌الملل خواستار آزادی گروگان‌ها قبل از انتخابات شدند تا به پیروزی جمهوری خواهان با کاندیدایی چون رونالد ریگان نینجامد.

به هشدار این دو - شیخ محمد منتظری و دکتر ابراهیم یزدی - البته توجه نشد و گروگان‌ها را در دست هنگامی تحویل دادند که رونالد ریگان سوگند ریاست جمهوری ادا می‌کرد. از طرف ایران عبدالکریم سنایی هروی - که بعدتر سفیر ایران در اسپانیا شد- به فرانکفورت رفته بود و بر تحویل گروگان‌ها نظارت می‌کرد. آیت‌الله حسینعلی منتظری که در زمان اشغال سفارت رئیس مجلس بررسی نهایی قانون اساسی یا خبرگان قانون اساسی و امام جمعه تهران بود در زمره حامیان شناخته می‌شد اما در خاطرات و گفت‌وگویی بعد از برکناری یا استعفا از قائم مقام رهبری یادآور شده نزد امام خمینی رفته و خواسته گروگان‌ها زودتر آزاد شوند تا بر انتخاب مجدد کارتر اثر منفی نگذارد زیرا خود در زندان شاهد بوده که بلافاصله بعد از روی کار آمدن کارتر در بهمن ۱۳۵۵ (انتخاب او در ۱۲ آبان ۱۳۵۵ اعلام شد) فضای زندان‌ها تغییر کرد و تحت تأثیر گفتمان حقوق بشری او از فشارهای قبلی به شکل محسوس‌تری کاسته شد. همان که دکتر عباس میلانی مخالف مارکسیست آن روز شاه و پشتیبان این روزها و رئیس کنونی گروه مطالعات ایرانی دانشگاه استنفورد آمریکا از آن در کتاب تازه‌منتشره خود - سی چهره - به طعنه با عنوان «جیمی کراسی» یاد می‌کند. این در حالی بود که حمله ناکام آمریکا به طیس برای نجات گروگان‌ها و قبیل از آن پناه دادن به شاه به رغم قول و قرارهای قبلی همچنین اعزام ناو به خلیج فارس و تهدید ایران و بلوکه کردن اموال و قطع یک‌طرفه روابط سیاسی مضافاً به متهم شدن به حمایت از کودتای نوزه و سرانجام تحریک عراق به جنگ علیه ایران ماجرای «جیمی کراسی» را به محاق برده بود و اتفاقاً این انگیزه وجود داشت که کارتر تاوان بپردازد و یا به دوره دوم ریاست جمهوری نگذارد. در واقع روابط ایران و آمریکا نه در پاییز ۱۳۵۸ و به خاطر اشغال سفارت که در بهار همان سال و در پی اعدام امیرعباس

هویدا نخست‌وزیر ایران در سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ و نیز حبیب‌الله القانین رئیس انجمن کلیمیان تهران در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۸ تیره شد زیرا سناتورهای آمریکایی موضع گرفتند. در تهران تظاهراتی در اعتراض شکل گرفت و سخنران آن هاشمی‌رفسنجانی بود و چون روز بعد ترور شد این ترور را هم به آمریکا نسبت دادند در حالی که کار گروه فرقان بود که اسنادی از وابستگی آن به خارج از کشور یافت نشد.

فردای اعدام القانین روزنامه اطلاعات این تیتیر درشت را بر پیشانی داشت: اسناد جاسوسی القانین به نفع اسرائیل فاش شد. در واقع تنش آمریکا با ایران انقلابی پس‌اپهلوی با اعدام القانین و نه حتی اعدام هویدا کلید خورد. مخالفان جز اتکا به این موضوع که اگر با ادامه کار سفارت مخالف بودند عناصر نامطلوب را اخراج می‌کردند و اگر از دانشجویان پذیرفته باشد از دولت و حکومت پذیرفته نیست به تبعات دامن گیر آن تا به امروز گسترده شده اشاره می‌کنند و در سخنان رهبری (دیروز) هم این ادعا نفی و گفته شد: «سفارت سابق آمریکا نه یک محل تحرک دیپلماتیک و اطلاعاتی صرف بلکه ستاد برنامه‌ریزی برای تحریک داخلی علیه انقلاب و نابود کردن انقلاب و حتی تهدید جان مبارک امام بزرگوار بود». در آن کفه البته به این موضوع اشاره می‌شود که اشغال سفارت موجب شد بحث درباره قانون اساسی جدید که قرار بود به همه‌پرسی گذاشته شود درنگبرد و نگاهی به مطبوعات آن دوران هم این ادعا را تأیید می‌کند. در این میان اشاره به دو موضوع دیگر می‌تواند تازه یا دست کم متفاوت باشد:

نخست این که اسنادی که دانشجویان در ده‌ها مجلد و با رنج بسیار به خاطر رسته‌رشته شدن آنها منتشر کردند هیچ‌گاه تکذیب نشده است. ممکن است گفته شده باشد کامل نیست یا شامل همه نیست یا نظر سفارت درباره دیگران را نمی‌توان به منزله ارتباط دانست و در مواردی برای برخی چهره‌های ضدآمریکایی همچون روزنامه‌نگار برجسته و فقید - مرحوم علیرضا فرهمند- اسباب دردسر هم شد اما کسی در مقام تکذیب برنیامده و شگفتا که این کار دانشجویان قدر چندانی ندید شاید به خاطر آن که در خلال افشاجاری‌ها جاهایی در حق چهره‌های موجه و به صورت مشخص دکتر ناصر میناچی وزیر ارشاد ملی دولت موقت شد که به بازداشت ۲۴ ساعته او هم انجامید و با دخالت اولین رئیس جمهور آزاد شد. اسباب شگفتی بود که دانشجویان علاقه‌مند و شفیفته دکترعلی شریعتی مهم‌ترین حامی او و از بنیان حسینیة ارشاد او را رنجانده بودند. جدای این مورد اما خاطره دکتر احسان نراقی که بعدها بیان کرد نشان داد داستان آن اسناد را تنها در بازداشت و حبس عباس امیرانتظام نباید دید و جلوه‌های دیگر هم داشته است:

«بعد از زندان ۲۸ ماهه در ایران به اتهام همکاری با رژیم پهلوی و آزادی از زندان به دعوت مدیرکل وقت یونسکو - احمد امیو- به عنوان مشاور او در پاریس مشغول به کار شدم. در ماه سپتامبر همان سال (۱۹۸۷) مدیرکل جدید باید انتخاب می‌شد. یکی از داوطلبان مدیرکل یونسکو وزیر خارجه پاکستان بود که در صورت انتخاب ۶ سال مدیرکل یونسکو می‌شد. او مورد حمایت آمریکا و غرب بود. ما من به خاطر مطالعه تمام مجلدات اسناد لانه جاسوسی در زندان اوین از سابقه نامطلوب او آگاه بودم. به سفارت ایران در پاریس رفتم. کتاب‌ها را گرفتم و بخش مربوط به او را نزد خانم فرانسوی متصدی این کار بردم و نشان دادم وقتی وزیر خارجه پاکستان در مسکو سفیر بوده قبل از مراجعه به سفارت خود گزارش دیدارهای خود با رهبران شوروی را در اختیار مسئول سازمان سیا در سفارت آمریکا قرار می‌داده و چون گزارش‌های سفارت آمریکا در هر کشور به کشور همسایه هم ارسال می‌شده در سفارت تهران در آمریکا هم گزارش‌های او به سازمان سیا موجود بوده و به دست دانشجویان افتاده و منتشر شده است. آن خانم شگفت‌زده شد و گفت در شورای عالی اجرایی یونسکو مطرح می‌کند اما نمی‌توان به کتاب اسناد لانه جاسوسی اسناد کرد و بهتر است در یک نشریه معتبر فرانسوی هم چاپ شود و من آن گزارش را به شورای عالی اجرایی یونسکو ببرم.

بلافاصله یاد پروسلا هوگو نویسنده مشهور و ضدآمریکایی لوموند افتادم. وقت را تلف نکردم. به سرعت خود را به دفتر لوموند رساندم و خوشبختانه آنجا بودم. لوموند همان فردا این مطلب را چاپ کرد و روزنامه را آن خانم در جلسه ساعت ۳ بعدازظهر شورای عالی روی میز گذاشت. خانم حقوق‌دانی به نام ژیزل حلیمی در آن جلسه اخطار آیین‌نامه‌ای داد و گفت: دولت فرانسه توصیه کرده به کسی رأی دهم که مطابق این اسناد به «قصاب بنگال» شهرت دارد به خاطر سوابق او در جنگ با هندوستان. چون نمی‌توانم این کار را انجام دهم انصراف می‌دهم و دیگران مانع استعفا می‌شوند و به عکس وزیر خارجه پاکستان را وادار به انصراف کردند و فردریکو مایور بی‌رقیب انتخاب شد. بعدها که مایور از قضیه آگاه می‌شود از نراقی می‌خواهد به کار در یونسکو ادامه دهد و این بار نه به عنوان مشاور که در مقام معاون یونسکو- سازمان فرهنگی - علمی ملل متحد. - «ماهانامه شوکران. شماره ۲۸. ۴۳»

مورد دیگر هم اذعان دارویش همایون است به این که بعد از اشغال سفارت از این که جمهوری اسلامی ساقط شود نومید شد و درصدد خروج غیرقانونی بعد از ۹ ماه اختفا برآمد. با این همه بسیاری تمام مشکلات بعدی را متوجه اشغال سفارت می‌دانند حال آن که آنان نه برای ۲۴۴ روز که به قصد دو سه روز به سفارت رفته بودند و حالا مسئول تمام ۴۵ سال قطع ارتباط شناخته می‌شوند.

## تیتریک

HEADLINE ONE

۲

## گزارش یک



با تشریح ریشه‌های سیاسی و تاریخی مواجهه ایران با آمریکا و اسرائیل

# رهبری: حرکت ما منطقی است نه صرفاً انتقام

جاسوسی»، گفتند: «بعضی می‌گویند سفارت آمریکا هم مثل سفارتخانه همه کشورها، محل تحریکات دیپلماتیک و جمع‌آوری اطلاعات بوده است؛ پس چرا تسخیر شد؟». آیت‌الله خامنه‌ای بار دیگر این شبهه، تأکید کردند: «سفارت آمریکا در تهران، همانگونه که اسناد به‌دست‌آمده از آن تأیید می‌کند، ستاد برنامه‌ریزی برای تحریک و ساماندهی ضدانقلاب و تفاله‌های ساواک شاه، ایجاد اختلاف، تحریک قومیت‌ها، کودتا، تهدید جان امام خمینی (ره) و نابودی انقلاب بود و این واقعیت حتی اگر برخی از عوامل آن حادثه دچار تردید شده باشند، تغییر نمی‌کند». رهبری «اسناد کشف‌شده در لانه جاسوسی» را «بسیار مهم و روشنگر» برشمردند و افزودند: «چونان کتاب‌های اسناد لانه‌ومدارک دیگر اطمینان‌کننده‌تر از حقیقت تبدیل سفارت آمریکا به مرکز شبکه‌سازی و توطئه علیه انقلاب، بیشتر آگاه شوند». ایشان «تسخیر لانه جاسوسی» را «به علت روشن شدن ماهیت حقیقی سفارت آمریکا»، «یک نقطه عطف و یک حادثه تاریخی و فراموش‌ناشدنی» خواندند و افزودند: «به همین علت بود که امام با آن دید نافذ، حرکت دانشجویان را تأیید کردند».

## تسخیر سفارت آغاز رویارویی نبود

آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به «برخی تاریخ‌نویسان منحرف که تسخیر لانه جاسوسی را نقطه آغاز رویارویی ملت ایران و آمریکا می‌نامند»، افزودند: «این یک دروغ است و این مقابله، حداقل به ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برمی‌گردد؛ زیرا آمریکایی‌ها در آن تاریخ با خیانت به حسن اعتماد ساده‌لوحانه دولت مصدق، آن حکومت ملی و مردمی را با کودتایی خونین سرنگون و حکومت ظالمانه شاه را دوباره برقرار

## گزارش دو

در مراسم معارفه استادان جدید سیستان و بلوچستان مطرح شد

## مولوی عبدالحمید: دل مردم را به دست آوریم

لازمه آن این است که فرصت‌ها را بشناسیم و از گذشته تجربه کسب کنیم و با وقایع ملی گام برداریم.»

## شایسته‌سالاری از میان همه اقوام و مذاهب

**مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی، امام جمعه اهل سنت زاهدان** در این مراسم گفت: «بیش از دو سال است که توفیق حضور در جلسات راندارم اما خیر خواهی خود را تا آنجا که توانستم انجام دادم. اعتماد به اقوام در انتصابات

کشوری جای قدردانی از دولت وفاق ملی دارد. قدم‌های مثبتی برداشته‌ایم و هنوز قدم‌های زیادی است که رئیس‌جمهور بردارد و این‌ها برای کشور مفید است.»

امام جمعه مسجد مکی ادامه داد: «انتخاب در منصب‌ها از اقوام و مذاهب مختلف یکی از وعده‌های دولت وفاق ملی بود که عملی و قدم‌هایی در این جهت برداشته شد که نمونه آن انتخاب استانداران اهل سنت در کردستان و سیستان و بلوچستان بوده که جای قدردانی دارد. مردم از این بابت خوشحال هستند که در دولت وفاق ملی به فرزندی از دیار سیستان و بلوچستان که شایستگی دارد، اعتماد شد؛ اینکه به مردم این استان فرصت دادید تا توانایی و کارآمدی خود را نشان دهند، جای قدردانی دارد.» او تأکید کرد: «اعتقاد ما بر آن است هیچ سرمایه‌ای بالاتر از سرمایه مردم نیست، مردم شایسته‌تر توانمندند و مردم در ایران اسلامی فراوان است، هر چه به این مردم اعتماد شود و تمام سیاست‌ها به سمت ملت چرخش یابند نعمت و برکات بزرگی به دنبال دارد. مردم ایران قدرشناس بوده و به هر کس برای آنها قدمی بردارد قدردان آن هستند. شایسته‌سالاری واقعی باید مدنظر قرار گیرد، فردی دست‌پاک و امانت‌دار انتخاب شود که حفاظت و نگهدار باشد و در راستای سیاست‌های قرآن که برای ما تبیین شده، گام بردارد.» مولوی عبدالحمید افزود: «به کارگیری اقوام و مذاهب مختلف فاصله‌ها را کم می‌کند و در شایسته‌سالاری همه اقوام و مذاهب را باید ملاک قرار داد. به مشکلات مردم بیشتر توجه شود، خدمات خوبی در گذشته ارائه شده اما مشکلات زیاد بوده که به خاطر شرایط اقتصادی و گرفتاری است. آرزو و خواسته ما مردم این بوده که از استانداران جدید سیستان و بلوچستان حمایت کنید و اختیارات ویژه به او بدهید.» او گفت: «شما باید دل توده مردم را به دست آورده و همه مردم را در کنار یکدیگر داشته باشید، مردم سیستان و بلوچستان همه خوشایند هستند و در طول تاریخ در کنار یکدیگر بودند. بحث شیعه و سنی و قومیت و مذهب اصلاً

**گروه خبر:** مقام معظم رهبری دیروز در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت ۱۳ آبان تأکید کردند: «مقابله اسلامی، ملی، عقلانی، خردمندانه و انسانی ملت ایران با استکبار آمریکا که منطبق با قوانین بین‌المللی است، با نقشه‌راه صحیح و بدون غفلت یا تعلل ادامه خواهد یافت و در این مسیر پیروزمانده، رژیم صهیونیستی و آمریکا در قبال هر اقدام ضمیمت ایران، قطعاً پاسخ‌دندان‌شکنی خواهند گرفت.» آیت‌الله خامنه‌ای در ابتدای سخنان‌شان با اشاره به پیشنهادهای یکی از دانشجویان گفتند: «ما در مقابله با استکبار همه آنچه که باید و شاید برای آمادگی ملت ایران انجام بگیرد، چه از لحاظ نظامی، چه از لحاظ تسلیحات، چه از لحاظ کارهای سیاسی، هر آنچه لازم باشد حتماً انجام می‌دهیم و الان هم بحمدالله مسئولین مشغول انجام این کارها هستند، مطمئناً ملت ایران و مسئولین کشور در حرکت کلی و جهت مقابله با استکبار جهانی و دستگاه جایتکار حاکم بر نظم جهانی امروز قطعاً و انصافاً هیچ‌گونه کوتاهی نخواهند کرد. این را مطمئن باشید. بحث، بحث صرفاً انتقام نیست. بحث یک حرکت منطقی است، بحث مقابله منطبق با دین و اخلاق و شرع و قوانین بین‌المللی است و ملت ایران و مسئولین کشور در این جهت هیچ‌گونه تعلل و کوتاهی نخواهند کرد.» رهبری «مبارزه ملت ایران با استکبار» را «امری دانه، مستمر و در متن زندگی ملت» خواندند و گفتند: «نامگذاری یک روز به نام روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، در واقع برای فراموش نشدن این مبارزه تاریخی است؛ بخصوص اینکه دست‌هایی در کار است که در حرکت شجاعانه و آگاهانه ملت برای ایستادگی و مبارزه با آمریکا و عواملش در منطقه، تردید ایجاد و سپس این مقابله را انکار کنند.» ایشان با اشاره به «تلاش برخی برای ایجاد شبهه در حقانیت مسئله تسخیر لانه

روز گذشته مراسم معارفه منصور بیجار، استاندار جدید استان سیستان و بلوچستان برگزار شد. در این مراسم اسکندر مومنی، وزیر کشور، مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی، امام جمعه مسجد مکی زاهدان و تعدادی از نمایندگان این استان در مجلس حضور داشتند. اهمیت انتخاب بیجار به عنوان استاندار جدید سیستان و بلوچستان از آن جهت است که این بار هیئت دولت چهاردهم یک بلوچ اهل سنت را به عنوان استاندار سیستان و بلوچستان انتخاب کرد.

## ملاک اصلی شایستگی و کارآمدی

**اسکندر مومنی، وزیر کشور، در مراسم معارفه استاندار جدید سیستان و بلوچستان** اظهار کرد: «اگر خواهان پیشرفت ایران هستیم همه باید کمک کرده و دست در دست یکدیگر دهیم؛ ما هم در وزارت کشور عهد بسته‌ایم به این نگاه و رویکرد کمک کنیم و بر همین منوال اقدامات را انجام دهیم. باید به رویکرد شعار و دیدگاه‌هایی که مردم رای داده‌اند در عمل و اجرا آن را پاس بداریم.» او با تأکید بر اینکه برای تعیین استانداران شاخص‌هایی تعیین و کمیته‌ای متشکل از مجربین و معتمدان تشکیل شد تا شاخص‌ها را منطبق بر افراد مشخص کنند و استانداران انتخاب شوند، ادامه داد: «ملاک اصلی ما شایستگی و کارآمدی بود و تأکید شد هر کسی از هر قومیت، مذهب و نگاه سیاسی بر اساس این شاخص‌ها انتخاب شود باید در فهرست باشد؛ چه شیعه و چه سنی و این میثاق ما با همکاران بود. سه استاندار سیستان و بلوچستان، کردستان و خوزستان بر اساس شایستگی در روندی کارشناسی انتخاب شدند و در خصوص سایر استانداران هم به همین شکل است. این شعار دولت است که باید دولت وفاق ملی باشد و تاکنون نیز محقق شده است.» مومنی افزود: «از امروز فرز دیگری در سیستان و بلوچستان آغاز خواهد شد و تاریخ دیگری ورق خواهد خورد. همه باید حمایت و کمک کنیم برای اینکه این استان مسیر پیشرفت و توسعه خود را با شتاب بیشتر از گذشته ادامه دهد.» او ادامه داد: «امنیت، پیشرفت و توسعه دو مقوله بسیار مهم است. جامعه برای ادامه حیات در درجه اول به امنیت نیاز دارد تا در پناه امنیت پایدار توسعه محقق شود. نکته حائز اهمیت این است که امنیت محصولی اجتماعی به شمار می‌رود که ترکیبی از امنیت سخت و نرم بوده، امنیت را همه جامعه ایجاد می‌کند که حاصل کار مشترک دستگاه‌های امنیتی، انتظامی، نظامی و تمامی مردم است. آینده خوبی در انتظار سیستان و بلوچستان است؛

